



اندیشه مهدویت و آسیبها

محمدصابر جعفری

اشاره:

مقوله مهم مهدویت، به دلیل اثرات بسیار حیاتبخش و بهجت‌زایی که دارد؛ در معرض خطرات و آسیب‌هایی است. نوشتار حاضر بدنبال طرح برخی آسیب‌ها، با ذکر پیامدها و خاستگاه هر یک بوده و در پایان به مبارزه و درمان آن همت گمارده است؛ این آسیب‌ها به قرار ذیل‌اند:

۱. برداشتهایی انحرافی از مقوله انتظار فرج؛
۲. افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام عصر علیه السلام؛
۳. طرح مباحث غیرضروری؛
۴. شتابزدگی و تعجیل؛
۵. توقیت و تعیین وقت ظهور؛
۶. تطبیق نادرست نشانه‌های ظهور؛
۷. افراط و تفریط در تبیین مفهوم غیبت؛
۸. ملاقات‌گرایی؛
۹. آرزوگرایان بی عمل؛
۱۰. عاشق نمایان دنیاخواه؛
۱۱. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه؛
۱۲. عدم پیروی از ولایت فقیه و نواب عام؛
۱۳. فعالیت‌های غرب و مستشرقان.

پیش در آمد

هر امر مهمی به نسبت اهمیتش، در معرض خطرهای و آسیب‌هایی است. مقوله مهم مهدویت هم با اثرات بسیار حیاتبخش و بهجت‌زای خود که کمترین آن‌ها، امید به آینده و سر فرو نیابردن در مقابل حوادث، ستم‌ها و سختی‌هاست، از این قاعده مستثنی نیست. آنچه بدنبال طرح آنیم؛ آسیب‌هایی است که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می‌نماید. سخن از آسیب‌های دیگر مانند آنچه در مقابل جریان قیام مهدوی رخ می‌نماید، را به وقتی

دیگر وا می‌گذاریم.

هدف این نوشتار، بررسی برخی آسیب‌ها با تبیین آثار و خاستگاه هر یک است تا راه مبارزه و درمان آنها روشن گردد.

۱. برداشت‌های انحرافی از مقوله انتظار فرج

۱-۱- برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی منحصر دانسته و بیش‌تر از آن، وظیفه‌ای برای خویش قائل نیستند.

۱-۲- گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند. چون معتقدند در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی به عهده ندارند، و امام زمان علیه السلام خود، هنگام ظهور کارها را اصلاح می‌کند.

۱-۳- پندار گروه سوم چنین است که جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور - که دنیایی پر از ظلم و فساد است - فراهم آید.

۱-۴- گروه چهارم، انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آنها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت هر چه بیش‌تر فراهم گردد.

۱-۵- دیدگاه پنجم، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام می‌داند و می‌گوید: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است» به این استدلال که در روایات آمده است: «هر علم و پرچمی قبل از ظهور قائم علیه السلام باطل است.»^۱

پیامدها:

پیش از طرح منشأ و علل چنین دیدگاه‌هایی، لازم است برخی از پیامدهای این نظریات گفته شود تا مشخص گردد که چرا این برداشت‌ها، برداشت انحرافی (انتظار تلخ یا منفی) نامیده می‌شود:

۱- قانع بودن به وضع موجود و عدم کوشش برای تحقق وضعی برتر

۲- عقب ماندگی توده

۳- تسلط بیگانگان و زبونی در مقابل آنها (نبودن استقلال و آزادی)

۴- ناامیدی و پذیرش شکست در حوزه فرد و اجتماع

۵- ناتوانی دولت و نابسامانی کشور

۶- فراگیر شدن ستم و انفعال و بی‌تحرکی در مقابل ظلم

۱. برگرفته از صحیفه امام، پاییز ۱۳۷۸، چاپ اول، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.

۷- قبول ذلت و بدبختی در حوزه فرد و اجتماع

۸- تنبلی و بی‌مسئولیتی

۹- مشکل‌تر ساختن حرکت و قیام امام زمان علیه السلام چرا که هر چه فساد و تباهی بیش‌تر

شود، کار امام علیه السلام در مبارزه سخت‌تر و طولانی‌تر می‌گردد

۱۰- تعطیلی محتوای بسیاری از آیات و روایات مانند: امر به معروف و نهی از منکر،

سیاست داخلی و خارجی، چگونگی برخورد با کفار و مشرکان، دیه، حدود، دفاع از محرومان عالم و ...

خاستگاه

منشأ برداشت‌های انحرافی عبارت است از:

۱- کوته فکری و عدم بصیرت کافی نسبت به دین

۲- انحرافات اخلاقی (برخی از قائلان دیدگاه دوم)

۳- انحرافات سیاسی (برخی از قائلان دیدگاه چهارم و پنجم)

۴- توهم این که امام زمان علیه السلام کارها را به وسیله اکراه و اجبار یا فقط از طریق معجزه

انجام می‌دهد؛ پس نیاز به مقدمات و زمینه‌سازی نیست.

۵- توهم این که غیر از امام زمان علیه السلام هیچ کس نمی‌تواند همه فسادها و تباهی‌ها را به

صورت کامل بر چیند و تمامی خیرها و صلاح‌ها را در همه ابعاد و زمینه‌ها حاکم سازد؛ پس

کاری از دیگران بر نمی‌آید.

۶- هدف، وسیله را توجیه می‌کند: «الغایات تبرّر المبادئ؛ هدف‌ها، وسیله‌های نامشروع را

مشروعیت می‌بخشد.» پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و

اشاعه فساد است.

۷- عدم فهم صحیح روایت‌هایی که ظلم و جور آخرالزمان را مطرح می‌کنند و این اشتباه

که پس بایستی، یا کاری به فساد و تباهی نداشت و در قبال آن، موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد

(دیدگاه چهارم) یا حتی دیگران را به گناه فرا خواند (دیدگاه پنجم).

۸- جدای از مسایل سیاسی و اهل سیاست که به دنبال رکود جوامع اسلامی‌اند، عدم فهم

روایات «بطلان هر علم‌ی قبل از ظهور» نیز، زمینه ساز دیدگاه پنجم است.

مبارزه و درمان

قبل از پاسخ تفصیلی به دیدگاه‌ها و علل اشتباهات، چند نکته را که در حل زیربنایی مطالب

مذکور مفید است، یادآوری می‌کنیم:

- ۱- علم و بصیرت در دین، در مقابل کج اندیشی‌ها و برداشت‌های غلط
- ۲- تقوا در مقابل هوی و هوس
- ۳- علم و بصیرت در حوزه سیاست و اجتماع برای تشخیص دوستان و دشمنان و روشن شدن عملکرد سیاست بازان
- ۴- تبیین و روشنگری اندیشمندان و علما در حوزه مسائل دینی و سیاسی و اجتماعی
- ۵- پیروی از علمای راستین که مصداق نایبان عام امام زمانند
- ۶- به حاشیه راندن تفکرات متحجرانه و جمودگرا.

پاسخ تفصیلی:

۱. حرکت امام زمان علیه السلام مانند امور دیگر، روال طبیعی دارد و قرار نیست همه امور، معجزه آسا صورت پذیرد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«لو قد خرج قائمنا علیه السلام لم یکن الا العلق و العرق و النوم علی السروج؛ قائم ما که قیام کند، جز عرق ریختن و خواب (از فرط خستگی و مبارزه بی دری) بر روی زمین‌ها نیست».

۲. قیام امام زمان علیه السلام زمینه سازی و آمادگی می‌طلبد. چنان‌که در روایات، عده‌ای به عنوان زمینه‌سازان حکومت مهدی علیه السلام نام برده شده‌اند: «فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ».^۱ در روایات دیگر، در توصیف منتظران واقعی آمده است:

انّ اهل زمان غیبه و القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان... اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدّعاة الی دین الله سرّاً و جهراً.^۲ ... آنان خستگی ناپذیر، در آشکار و نهان دیگران را به دین خدا فرا می‌خوانند.

۳. اگر اصلاح به صورت کامل مقدور نیست، اصلاح در حد توان، ساقط نشده است.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۴. این دیدگاه «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» از نظر دین کاملاً اشتباه است؛ زیرا همان‌طور که حکومت حضرت مهدی علیه السلام ریشه کن‌کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل است و از قلدری و قساوت تهی می‌باشد، راه پیدایش این مقصود نیز بایستی چنین باشد: از ظلم و جور دور، از قساوت و قلدری برکنار و از دروغ‌گویی و ریاکاری خالی باشد. قداست مجوز گناه نمی‌شود؛ چرا که گناه جز گناه نمی‌زاید و با ظلم نمی‌شود عدل به پا کرد و با عقیده انتقام نمی‌توان

۱. نعمانی، الغیبة، باب ۱۵، ص ۲۸۵.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، باب ۵، ص ۴۷۷.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.

دادگری کرد.^۱

۵. بدیهی است که لازم نیست همه مردم ظالم یا فاسد گردند تا «ظلم فراگیر» به وجود آید. آری، نگاهی کوتاه و گذرا به جهان نشان می‌دهد که ظلم عالم را فرا گرفته است، عده‌ای ظالمند و بسیاری مظلوم. از طرفی هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم و جور، دوستان و منتظران آن حضرت با زمینه سازی مثبت و آینده‌ساز، در اندیشه مقدمه چینی برای انقلاب جهانی ایشان باشند. پس ظلم و فساد به صورت نسبی در جهان شیوع دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«... لا والله لا یأتیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد؛^۲

این امر (فرج) تحقق نمی‌پذیرد تا این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند». پس سخن در این است که گروه سعادت‌مند و شقاوت‌مند هر کدام باید به نهایت کار خود برسند. نه این که «سعید»ی در کار نباشد و فقط اشقیا به منتها درجه شقاوت برسند. از سوی دیگر، بدیهی است که آیات و روایات ما را به مبارزه با ظلم و ستم فرا خوانده‌اند. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند:

یکون فی آخر الزمان قوم یعملون المعاصی و یقولون ان الله قد قدرها علیهم، الرادّ علیهم کشاہر سیفہ فی سبیل الله؛^۳ در آخر الزمان، گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند: «خدا برای آنان چنین مقدر کرده است.» (کنایه از جبر) کسی که این‌ها را رد کند مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.

۶. در مورد «بطلان هر عُلَمی قبل از ظهور» گفتنی است که این روایات مانند احادیث دیگر لازم است بر قرآن، سنت و عقل عرضه گردند تا مواردی مانند: «حکومت»، «تخصیص»، «تخصّص» و «ورود» و راه‌های دیگر جمع، اعمال شود. حتی در روایات آمده است که اگر روایتی مخالف صریح قرآن بود، بایستی کنار نهاده شود. به هر حال آنچه آیات و روایات و عقل ما را به آن رهنمون می‌شوند، بطلان همه قیام‌ها، فعالیت‌ها و جریان‌های قبل از ظهور نیست، بلکه منظور از بطلان قیام و عُلَم در روایات، بطلان قیامی است که به نام حضرت مهدی علیه السلام صورت گیرد - چنان که قیام زید و امثال آن در روایات معتبر، تأیید شده‌اند^۴ - به عنوان نمونه به ذکر روایاتی بسنده می‌کنیم:

۱. سید رضا صدر، راه مهدی، ص ۸۷ و ۸۸.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۲۳، ما اخیر به الصادق علیه السلام عن وقوع الغیبه، حدیث ۳۲، ص ۲۴۶.

۳. سید بن طاووس، الطرائف، ج ۲، ص ۳۴۴.

۴. برای توضیح بیشتر و بررسی سندی و دلالتی چنین روایاتی رجوع کنید: ابرهیم امینی، دادگستر جهان؛ فصلنامه انتظار، ش ۵، مقاله «تهی از قیام» در بوته تحلیل روایی، نجم‌الدین طبعی؛ فصلنامه انتظار، ش ۷، مقاله نقد و بررسی روایات نافی حکومت و قیام در عصر غیبت، محمدعلی قاسمی.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لاتزلهم الرياح العواصف ولا يملون من الحرب ولا يجبنون وعلى الله يتوكلون والعاقبة للمتقين؛^۱ مردی از اهل قم، مردم را به حق دعوت می‌کند. طرفداران و یاران او، مردمی استوارند و آهنین که از جنگ خسته نمی‌شوند و از دشمن نمی‌هراسند و تنها به خدا توکل می‌کنند و عاقبت نیز از آن کسانی است که اهل تقوا هستند.

در روایت دیگر، امام باقر علیه السلام کشتگان مبارزان قبل از ظهور را به عنوان شهید یاد می‌کند: «...قَتَلَاهُمْ شُهَدَاء»^۲.

دیدگاه صواب

در مقابل دیدگاه‌های مطرح شده، نگرش دیگری هم وجود دارد که انتظار را به معنای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور، ظلم‌ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور حضرت می‌داند. در این دیدگاه، فرد بایستی عالم را برای آمدن حضرت مهیا کند و نه تنها امر به معروف و نهی از منکر نماید، بلکه باید به دنبال تشکیل حکومت صالح و حفظ و حراست از کیان اسلامی نیز باشد.

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرماید: البته پرکردن دنیا از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما چون نمی‌توانیم باید ایشان بیایند. الان عالم پر از ظلم است، اگر ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است] و... باید چنین کنیم. اما چون نمی‌توانیم باید او بیاید. اما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم. کاری کنیم که عالم مهیا شود برای آمدن حضرت.^۳

این‌هایی که می‌گویند هر علمی بلند شود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد. این برخلاف انتظار فرج است. این‌ها نمی‌فهمند چه می‌گویند. این حرف‌ها را به این‌ها تزریق کردند، اما خودشان نمی‌دانند دارند چه می‌گویند. نبودن حکومت، یعنی این که همه مردم به جان هم بریزند. بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار کنند. ما اگر فرض کنیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم. برای این که برخلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایات قابل عمل نیست.^۴

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ماده قم، ص ۷۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، باب ۳۶.

۲. نعمانی، الغیبة، باب ۱۴، ص ۲۷۳.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶ و ۱۷ با اندکی تصرف.

۴. همان، ص ۱۶، با اندکی تصرف.

شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. فراهم کردن این است که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.^۱

اکنون که دوران غیبت امام علیه السلام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آورند، بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم.^۲

از غیبت صغرا تا کنون که هزار و چند صد سال می‌گذرد - و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورند - در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟! و هر که هر کاری خواست بکند؟! و هرج و مرج است؟!^۳

اعتقاد به چنین مطلبی یا اظهار آن‌ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و خرید و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود، قانون کیفری اسلام و دیات و قضا باید تعطیل شود. هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.^۴

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دوستان سال بود؟ یا این که اسلام، تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟^۴

نتیجه

دلایل عقلی و نقلی که معیار درستی دیدگاه‌های متفاوت در انتظار فرج می‌باشند بیانگر مطالب زیر می‌باشند:

از سویی سخن آیات و روایات درباره امر به معروف و نهی از منکر، حدود، دیات، دفاع،

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.
 ۲. امام خمینی، ولایت فقیه، انتشارات ناس، چاپ اول، ص ۵۲ و ۵۴.
 ۳. همان، ص ۲۶ و ۲۷.
 ۴. همان، ص ۵۴.

جهاد، کمک به محرومان، چگونگی برخورد با ظلم و عدم تسلیم در برابر ستم (مانند پیمان خداوند از دانشمندان که بر شکم بارگی عده‌ای و گرسنگی عده‌ای دیگر آرام بگیرند و حق مظلومان را از ظالمان بستانند و ...) و دیگر مواردی که دین مورد تأکید قرار داده، ما را به انتظار مثبت رهنمون می‌شود.

از سوی دیگر، پیامبر درون یعنی عقل، نیز تکلیف ما را کاملاً مشخص نموده است: الف) آیا می‌شود همه احکام و دستورهای الهی در دوران غیبت تا زمان ظهور، تعطیل و بدون متولی و مجری بماند؟ بدیهی است کسی بایستی عهده‌دار و حافظ شریعت الهی بوده و پناهگاه ایتم آل محمد علیهم‌السلام باشد. بایستی به قدر توان کوشید و زمینه را فراهم کرد و عالم را برای آمدن حضرت مهیا نمود: «فیوظئون للمهدی یعنی سلطانه».^۲

ب) برنامه امام زمان علیه‌السلام بسیار عالی، اما دشوار است؛ زیرا باید تمام جهان را اصلاح کند. از سوی دیگر، از روایات استفاده می‌شود که امام زمان علیه‌السلام و یارانش به وسیله جنگ و جهاد بر کفر و مادیگری و بیدادگری غلبه می‌کنند و به واسطه نیروی جنگی، سپاه دشمن و طرفداران بی‌دینی و ستم را مغلوب می‌سازند.

با توجه به این دو مطلب، وظیفه مسلمانان این است که:

اولاً: در اصلاح خود بکوشند و به اخلاق اسلامی آراسته گردند. وظایف فردی و احکام و دستورهای قرآن را عمل کنند.

ثانیاً: دستورهای اجتماعی اسلام را استخراج و بین خود به طور کامل اجرا کنند تا نتایج درخشان آن را عملاً در پیش جهانیان مجسم سازند.^۳

آری، منتظر مصلح، خود بایستی صالح باشد و کار بزرگ امام زمان علیه‌السلام انتظاری گسترده می‌طلبد و برنامه ریزی‌های کلان و جهانی: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.»^۴*

۱. (اما و الذی فلق الحبة وبرأ النسمة، لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجوه الناصر و ما اخذ الله علی العلماء الا یقاروا علی کظة ظالم ولا سغب مظلوم، لا تقیت جلیها علی غاریها و لسقیت آخرها بکأس اولها...؛ سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌نمودم ...) نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲. اربلی، کشف القصة، ج ۲، باب ۵، ص ۴۷۷.

۳. امینی، دادگستر جهان، ص ۲۵۱.

۴. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۷۴.

* مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۴۳، مقاله انتظار فرج، ج ۲، ص ۱۴۵، از همین نگارنده.

۲. افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام عصر علیه السلام

انحراف دیگر، افراط و تفریط در تبیین قتل‌ها و درگیری‌های آغاز قیام است.

۱-۲. برخی هر گونه مبارزه و مجاهدت را از حضرت نفی می‌کنند و صرفاً به دنبال حل معجزه آسای امورند و مهربانی حضرت را به معنای عدم اجرای هر گونه کیفری می‌دانند. این تفکر انحرافی در زمان خود اهل بیت علیهم السلام نیز وجود داشت:

معمر بن خلاد می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام سخن از حضرت قائم علیه السلام مطرح شد. حضرت فرمودند:

«... لو قد خرج قائمنا علیه السلام لم یکن الا العلق و العرق و النوم علی السروج^۱؛ شما امروز سبکیال- تر از آن زمانید. قائم که قیام کند، جز عرق ریختن و خواب (از فرط خستگی و مجاهدت‌های پی در پی) روی زمین‌ها نیست.»

پیامدها

۱. عدم آمادگی و کوشش برای زمینه‌سازی ظهور.
۲. امید کاذب که بسیاری از افراد را در انجام وظایف سست می‌کند.

خاستگاه

۱. معجزه آسا پنداشتن همه امور
۲. عدم درک عمیق مهربانی حضرت که با حکمت توأم است.
۳. عدم نگاه جامع به دین (صریح آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام).

مبارزه و درمان

علم و بصیرت در دین، بررسی آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام به ویژه درک مطالب ذیل:

۱. روشن شدن مسأله امداد غیبی و جایگاه آن در قیام.
۲. بررسی رابطه حکمت و محبت، که حکیم، مهربانی‌اش هم از حکمت او سرچشمه می‌گیرد و حکمت هیچ‌گاه نمی‌پذیرد بر گرگ صفتان - که خوبی جز وحشیگری و جنایت ندارند و هیچ موعظه‌ای در آن‌ها اثر ندارد و به هیچ صراطی مستقیم نیستند - ترحم شود:

ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان

۲-۲. دیدگاه دیگر، ارائه چهره‌ای خشن و وحشت آفرین است که توأم با قتل و خون‌ریزی می‌باشد. این مطلب با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیاء علیهم‌السلام سازگاری ندارد.

پیامدها

۱. ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام.
 ۲. ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان.
 ۳. ناامیدی از انجام اعمال صالح به جهت ترس از عدم پذیرش توسط امام، با این تصور که اکثریت کشته خواهند شد و حضرت اعمال او را نیز نخواهد پذیرفت.
- نتیجه این که نفرت و خشونت و یأس، باعث عدم انگیزه برای درک و حتی تأمل درباره حضرت و راه و مرام او می‌گردد.

خاستگاه

۱. عدم بصیرت کافی و نگاه جامع به دین.
۲. عدم بررسی دلالی و سندی روایات.

مبارزه و درمان

۱. با بررسی روایات روشن می‌گردد که بسیاری از مطالب ارائه شده (قتل‌های آغازین، جوی خون، کشته شدن دو سوم مردم و ...) دچار اشکالات بسیار از ناحیه سند و دلالت می‌باشند.^۱

۲. روشنگری توسط اندیشمندان:

الف) جنگ تنها با کسانی است که جز زبان زور چیزی نمی‌فهمند، نه عموم مردم که با جان و دل سراغ حضرت می‌آیند.

۳. حضرت با مردم مهربان، بلکه مهربان‌ترین افراد است.

«جواد بالمال، رحیم بالمساکین، شدید علی العمال^۲. او نسبت به مال و دارایی، کریم و گشاده

دست، با مسکینان، مهربان و با کارگزاران، سخت‌گیر است».

در روایتی، امام رضا علیه‌السلام در بیان صفات امام معصوم فرمود: «یکون اعلم الناس و احکم

الناس و اتقى الناس و احلم الناس و اشجع الناس و اسخى الناس... و یکون اولی بالناس منهم

بأنفسهم و اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم و...^۳ امام، سرآمد مردم در دانش، قضاوت و حکمت،

پرهیزکاری، حلم، شجاعت و سخاوت است... او نسبت به مردم از خودشان سزاوارتر و از پدر و مادرشان

۱. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید: فصلنامه انتظار، شماره ۶، مقاله درنگی در قتل‌های آغازین، ص ۲۵۶، نجم الدین طبری.

۲. عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، ص ۲۰۷.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

دلسوزتر است و... .

۳. در نهایت گفتنی است وظیفه یک عالم - چنان که روایات می‌گویند - ایجاد تعادل در خوف و رجا است، نه این که دچار افراط و تفریط شده و مخاطبان خویش را به ورطه افراط و تفریط افکند.

۳. طرح مباحث غیر ضروری

یکی دیگر از انحرافات در مقوله مهدویت، پرداختن به مباحثی است که هیچ ثمره‌ای ندارد. در روایت آمده است: «فاغلقوا ابواب السؤال عما لا یعنیکم^۱؛ از آنچه ثمره‌ای برایشان ندارد، بیهوده نپرسید». مسکن، ازدواج، همسر، تعداد همسران، تعداد فرزندان و ... از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهم باز داشته است.

معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم استراتژی آینده و ارائه آن برای زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور و ... مسایلی است که پرداختن به آن اهمیت فراوانی دارد.

پیامدها

۱. بازماندن از مباحث مهم، کاربردی و ضروری.
۲. بستر سازی برای ورود خرافات و سخنان بی دلیل و غیر مستند که در نتیجه، سوداگران برای مطرح کردن خویش یا فریفتن مردم از بازار گرم این مباحث بهره می‌جویند.

خاستگاه

۱. عدم تشخیص وظیفه دینی.
۲. هوای نفس که در عوام‌فریبی بروز می‌یابد.
۳. توهم و خیال‌پردازی که زمینه داستان‌سراییهایی چون جزیره خضرا و ... است.
۴. عدم بررسی سندی و دلالتی روایات (چنانکه تأمل و بررسی، به خوبی جزیره خضرا را نفی می‌کند و با نفی آن، بطلان وجود هزاران فرزند برای حضرت یا تطبیق خضرا بر مثلث برمودا، کاملاً روشن می‌گردد).^۲
۵. عدم تبیین و روشنگری اندیشمندان و عالمان دینی.

مبارزه و درمان

۱. علم و بصیرت در دین.

۱. طوسی، الفیفة، فصل ۴، ص ۲۹۰.

۲. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید: جعفر مرتضی‌عاملی، جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، مترجم: ابوالفضل طریقه‌دار؛ فصلنامه انتظار، ش ۱ و ۲ و ۳ و ۴، مجتبی کلباسی، بررسی افسانه جزیره خضراء.

۲. روشنگری توسط اندیشمندان در موضوعات مرتبط با مهدویت و ذکر مسایل مهم و کاربردی و تبیین وظایف.

۳. حساسیت علما نسبت به عوام‌فریبان و ورود خرافات به ساحت دین و مقوله‌های دینی نظیر مهدویت.

۴. تقوا در مقابل هوای نفس و عوام‌فریبی.

۴. تعجیل

یکی دیگر از آسیب‌ها، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است. شتاب‌زدگی در این امر، در روایات ما بسیار نکوهش شده است:

مرحوم صدوق در کمال‌الدین نقل کرده که امام جواد علیه السلام فرمود: «یهلک فیها المستعجلون؛ در دوران غیبت، شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

انما هلك الناس من استعجالهم لهذا الامر. ان الله لا يعجل لعجلة العباد ان لهذا الامر غاية ينتهي اليها فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة و لم يستأخروا.^۲

شتاب مردم برای این کار، آن‌ها را هلاک ساخت. خداوند به جهت شتاب مردم، شتاب نمی‌کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر پایانش فرا رسد، آن را ساعتی پیش و پس نیفکنند.

پیامدها

۱. ناسپاسی و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی

۲. رویکرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت

۳. یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور

۴. شک و تردید

۵. دست به اقدام ناشایست زدن

۶. استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور.

خاستگاه

۱. عدم درک جایگاه مصلحت و حکمت الهی

۲. عدم تسلیم نسبت به اراده خدا

۳. بی‌طاقتی و بی‌ظرفیتی و عدم صبر در سختی‌ها، اذیت‌ها و طعنه‌های دشمنان

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، باب ۲۶، ص ۳۷۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. تنها خود را معیار دیدن. لذا پایان عمر و زندگی خود را ملاک می‌داند، نه سیر تاریخ را. مبارزه و درمان

۱. تسلیم اراده و حکمت الهی بودن همراه با آرزوی ظهور و داشتن آمادگی. امام جواد علیه السلام فرمودند: «... یهلك فيها المستعجلون و ینجو فیها المسلمون؛ در دوره غیبت، شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.»

ایمان به غیب و ایمان به حکمت الهی، سبب صبر و تسلیم به جای تعجیل خواهد شد. طوبی للصابرین فی غیبتہ، طوبی للمقیمین علی محبتہ، الذین وصفہم الله فی کتابہ وقال: ﴿هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب﴾.^۱ خوشا به حال صابران در دوره غیبت او، و استواران در محبت او! همانان که خدای تبارک و تعالی در کتابش چنین توصیفشان فرموده است: این قرآن، هدایت است برای پرهیزگاران، همان کسانی که به غیب ایمان دارند. در روایت دیگر آمده است:

... و متی علمنا انه عزوجل حکیم، صدقنا بان افعاله کلها حکمة و ان کان وجهها غیر منکشف لنا.^۲ هنگامی که خدای تبارک و تعالی را حکیم بدانیم، همه افعال خدا را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست، گرچه سبب آن‌ها برای ما روشن نباشد. در روایت دیگر آمده که امام سجاد علیه السلام فرمودند:

و ان للقاء منّا غیبتین ... و اما الاخری فیطول امدها حتی یرجع عن هذا الامر اکثر من یقول به، فلا یثبت علیه الا من قوی یقینه و صحت معرفته و لم یجد فی نفسه حرجا مما قضینا و سلّم لنا اهل البیت.^۳ برای قائم ما دو گونه غیبت است: ... اما زمان غیبت دوم به درازا می‌کشد تا جایی که بیش‌تر کسانی که به او ایمان داشتند، از اعتقاد خود بر می‌گردند. فقط کسانی در اعتقاد خود ثابت قدم می‌مانند که یقینی محکم و استوار و شناختی صحیح داشته و تسلیم ما اهل بیت باشند و سخنان ما بر آن‌ها گران نباشد.

۲. علم و بصیرت در دین: در دو مقوله عواقب تعجیل و آثار صبر، روایات بسیاری آمده است. به مناسبت، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، باب ۲۶، ص ۳۷۸.
 ۲. محمد بن خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۴۳.
 ۳. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۵.
 ۴. همو، کمال‌الدین، ج ۱، باب ۴۱، ص ۳۲۳.

الف) عاقبت عجله ، پشیمانی است: «لا تعاجلوا الامر قبل بلوغه فتندموا!»^۱ پیش از رسیدن این

امر، شتاب مکنید که پشیمان می‌شوید.»

ب) فضیلت صبر و شتابزده نبودن:

۱. جهاد در کنار رسول خدا ﷺ:

...اما ان الصّابر في غيبته على الاذى و التّكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين

یدی رسول الله.^۲

آن‌ها که در زمان غیبت او برآزار و طعنه و تکذیب دشمنان صبر کنند، مانند کسانی هستند که در حضور رسول خدا ﷺ شمشیر زده‌اند.»

۲. در زمره اهل بیت علیهم السلام و در علیین بودن:

ان من انتظر امرنا و صبر على ما يُرى من الاذى و الخوف، هو غداً في زمرةنا.^۳

کسی که منتظر امر ما باشد و در این راه، بر آزار و ترس و وحشت صبر کند، روز رستاخیز در جرگه ما خواهد بود.

امام حسن عسکری علیهما السلام فرمودند:

يا احمد بن اسحاق ، هذا امر من امر الله و سرّ من سرّ الله و غيب من غيب الله

فخذ ما آتيتك و اکتمه و کن من الشاکرين ، تکن معنا غدا في علیین.^۴

ای احمد بن اسحاق، این امر و سرّ و غیبی است از جانب خداوند. آنچه به تو ارزانی داشتیم فراگیر و از نااهل پوشیده‌دار و سیاست‌گزار باش، تا فردای قیامت در مقامات علیین با ما باشی.

۳. تبیین و روشن‌گری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و آثار صبر و تسلیم و رضا و

تذکر به این نکته که مهم، انجام وظیفه است و حرکت در این مسیر و معرفت به امام و راه و

مرام او با چنین حالتی، ظهور مقدّم شود یا به تأخیر افتد، هیچ ضرر نکرده و در رکاب و در زمره

اهل بیت علیهم السلام قرار داریم.

امام باقر علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه: «يا ايها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا»^۵

فرمودند:

يا ايها الذين آمنوا اصبروا على اداء الفرائض و صابروا على عدوكم و رابطوا

امامکم المنتظر.^۶

۱. همو، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷

۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۶

۴. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، باب ۳۸، ص ۲۸۴

۵. آل عمران، ۲۰۰

۶. نعمانی، القیة، باب ۲۵، ص ۳۳۰

ای مؤمنان، در بجا آوردن امور واجب خود، صبر و تحمل داشته باشید و در برابر دشمنانتان، پایداری ورزید و یک دیگر را به شکیبایی سفارش کنید و با امام منتظر خود، پیوند و رابطه ناگسستنی داشته باشید.

همچنین فرموده‌اند:

من مات و هو عارف لامامه، لا یضره تقدّم هذا الامر او تأخر و من مات و هو عارف لامامه کان کمن هو مع القائم فی فسطاطه.^۱

هر کس با شناخت امامش بمیرد، پیش افتادن این امر یا به عقب افتادن آن به او ضرری نرساند. کسی که با معرفت امامش بمیرد مانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه-اش باشد.

نکته: تعجیل، یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که فرا روی منتظر قرار دارد، اما برخی در نقطه مقابل دچار آسیب شده‌اند و آن دور شمردن وقت ظهور است که پیامد آن، بی‌تفاوتی و قساوت قلب می‌باشد. در روایتی فرموده‌اند:

لا تعجلوا الامر قبل بلوغه فتندموا ولا يطولن عليكم الامد فتقسو قلوبكم.^۲

پیش از رسیدن این امر شتاب نکنید که پشیمان می‌شوید و آن را دور نشمارید که دلتان قساوت می‌گیرد.

در روایات دیگر، تکلیف مشخص شده است: «اهل عجله هلاکند. اهل نجات، کسانی‌اند که تسلیم اراده خدایند^۳، و امر ظهور را نزدیک می‌شمارند.^۴ (و آن که امر ظهور را نزدیک داند، خویشتن را آماده می‌سازد).

۵. توقیت:

یکی دیگر از آسیب‌ها، تعیین وقت ظهور است. چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان علیه السلام بر بندگان مخفی بماند. لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. مفضل بن عمر گوید: از مولایم امام صادق علیه السلام پرسیدم:

هل للمأمور المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس؟ فقال: حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا... فقال: يا مفضل، لا أوقت له وقتا ولا يوقت له

۱. همان، باب ۲۶، المقدمه، ص ۱۷ و باب ۲۵، ص ۳۲۰.

۲. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲.

۳. نعمانی، الغیبه، باب ۱۱، ص ۱۹۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۲۲.

وقت، ان من وقت لمهديتنا وقتاً فقد شارك الله تعالى في علمه وادعى انه ظهر على سره ...^۱

آیا ظهور حضرت مهدی علیه السلام وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟ فرمودند: این چنین نیست که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد که شیعیان ما آن را بدانند. ای مفضل، برای آن وقتی تعیین نمی‌کنم. وقتی هم نمی‌شود برای آن معین کرد. آن که برای ظهور ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و مدعی شده که از اسرار خداوند آگاه گشته است.

فضیل از امام باقر علیه السلام پرسید:

هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذب الوقاتون، كذب الوقاتون، كذب الوقاتون.^۲
آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمود: آنان که وقتی برای آن تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.

ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام پرسیدم. فرمود:

كذب الوقاتون، انا اهل بيت لا نوقت، ثم قال: أباي الله إلا أن يخلف وقت الموقتين.^۳

آنان که وقتی برای آن تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند. ما اهل بیت، زمانی برای آن تعیین نمی‌کنیم. آن گاه فرمود: خداوند چنین اراده کرده است که با هر وقتی که تعیین کنند، حتماً مخالفت نماید و ظهور را در آن وقت قرار ندهد.

در روایت دیگر فرموده‌اند:

«كذب الموقتون، ما وقتنا فيما مضى ولا نوقت فيما يستقبل»^۴

آن که برای آن وقتی تعیین کند دروغ گفته است... ما در گذشته وقتی تعیین نکرده‌ایم و در آینده نیز هرگز وقتی برای آن تعیین نخواهیم کرد».

در برخی روایات، علت عدم تعیین وقت، چنین بیان شده است: امام جواد علیه السلام فرمودند:

لو عيّن لهذا الامر وقت لقتست القلوب و لرجع عامة الناس عن الاسلام و لكن قالوا: ما اسرعه! ما اقربه! تألفاً لقلوب الناس و تقريباً للفرج^۵؛

اگر برای این امر وقتی تعیین شود دل‌ها را قساوت می‌گیرد و توده مردم از اسلام بر می‌گردند. بگویند: چه زود است! چقدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲، باب ۲۸.

۲. طوسی، الغیبة، ص ۴۲۵.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۹۳.

۴. طوسی، الغیبة، فصل ۷، ص ۴۲۶.

۵. الکافی، ج ۱، باب کراهية التوقيت، ص ۳۸۹؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۹۶.

پیامدها

این عمل - جدای از این که ادعایی است بی دلیل و دروغی است آشکار؛ چرا که اهل بیت فرموده‌اند: کسی از زمان آن آگاه نیست. - پیامدهای متفاوتی دارد که به ذکر آن می‌پردازیم:

۱. ایجاد یأس و ناامیدی به سبب عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده.
۲. ایجاد بدبینی نسبت به اصل ظهور.
۳. ایجاد بدبینی به شخصیت امام در اثر عدم تحقق ظهور.
۴. قساوت قلب‌ها.
۵. برگشتن مردم سست ایمان از دین.

خاستگاه

۱. تعجیل و شتاب کردن در امر فرج.
۲. عوام‌فریبی در اثر هوی و هوس.
۳. توهم و خیال پردازی.
۴. عدم تطبیق صحیح آثاری که بر اثر قدرت‌های روحی و ریاضت‌ها به دست می‌آورند. یعنی چیزهایی را در آینده پیش‌بینی می‌کنند، اما در تطبیق آن‌ها اشتباه نموده و خیال می‌کنند ظهور است. لذا وقتی تعیین می‌کنند.

مبارزه و درمان

۱. تکذیب:

محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

یا محمد، من اخبرک عنا توقیتا فلا تهابن ان تکذبه فانا لانوقت لاحد وقتا.^۱

ای محمد، هر کس از جانب ما به تو خبر دهد که ما وقتی برای ظهور تعیین کرده‌ایم، بی مهابا و ترس او را تکذیب کن. زیرا ما برای هیچ کس [حتی خواص] وقتی تعیین نمی‌کنیم.

نکته قابل توجه این است که در روایت آمده است: «بی مهابا او را تکذیب کن.» از این

تفسیر به خوبی بر می‌آید که نباید شخصیت زده شد. ابهت و بزرگی افراد نباید مانع تکذیب شود. هر کس با هر مقام و جایگاهی که دارد اگر برای ظهور وقتی معین کرد، بایستی تکذیب گردد.^۲

۲. نزدیک دانستن ظهور همراه با تسلیم.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، فی النهی عن التوقیت و التسمیه.

۲. گاهی حرف‌هایی از برخی بزرگان و علما نقل می‌شود که نشانگر توقیت است، در حالی که با کمی تحقیق معلوم می‌گردد این مطلب صرفاً شایعه بوده و هیچ پایه و اساسی ندارد. یعنی آن بزرگواران اصلاً چنین چیزی نگفته‌اند.

راه چاره این است که انسان ظهور را نزدیک بداند، هر لحظه منتظر ظهور باشد و با این حال، تسلیم اراده و امر الهی باشد و هیچ امری، پرده صبر او را ندرد که: «نجی المقربون»^۱ و «نجا المسلمون»^۲.

۳. روشنگری و تبیین علما و اندیشمندان دینی.

۶. تطبیق

پس از توقیت و تعجیل، آسیبی که قابل ذکر است، تطبیق ناصواب است. به این توضیح که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. البته خود تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب نیست، بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن یک یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات مطرح می‌کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند.

این تذکر لازم است که در روایات، تشخیص مؤلفه‌ها و علایم سپاه حق و باطل به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا به عنوان «نواب عام» عهده دار امور گشته‌اند.

پیامدها

۱. پیامد تطبیق، توقیت و تعجیل است.
۲. نومیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور.
۳. به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده، باعث بی‌اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور می‌گردد و افراد در اصل ظهور و روایات به شک و تردید می‌افتند.

خاستگاه

۱. توهم زدگی.
 ۲. هوی و هوس و مشکل مطرح سازی خود (بیماری روانی هیستری).
 ۳. دخالت افراد غیر متخصص در مطالب کاملاً فنی و تخصصی.
 ۴. عدم روشنگری کافی توسط علما:
- الف) عدم تبیین علایم حتمی و غیر حتمی، عدم طرح مسأله بداء و مسایل مرتبط با علایم ظهور.

ب) نداشتن عکس‌العمل مناسب در مقابل مدعیان.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۱۳۱.
۲. همان، ج ۱، ص ۳۶۸.

راه درمان

۱. تبیین و روشن‌نگری.
۲. تکذیب و مبارزه با انحرافات.
۳. کار کارشناسی در مورد علایم و ویژگی‌ها توسط علما.

۷. افراط و تفریط در تبیین مفهوم غیبت

۷-۱. نظریه تفریطی

برخی غیبت حضرت را به معنای عدم حضور معنا کرده‌اند. گروهی از اینان عالمی توهم کرده و آن را «هورقلیا»^۱ نام گذارده و حضرت را در آن‌جا مکان داده‌اند. برخی دیگر حضرت را در دور دست‌ها (جزیره خضرا^۲ و...) پنداشته‌اند. برخی هر گونه دیداری با حضرت را نفی کرده‌اند.^۳ این دیدگاه‌ها نادرست است و با روایات ما سازگار نیست. مطابق روایات، حضرت بر خلاف عیسی‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله به آسمان نرفته، در میان مردمان است، در شهرها و بازارها و... قدم می‌نهد: ... صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطأ فرشهم ولا یعرفونه ...^۴

صاحب الامر در میان مردم رفت و آمد می‌کند، به بازارهایشان می‌رود و بر فرش‌هایشان قدم می‌نهد، ولی او را نمی‌شناسند.

هر ساله در مراسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم هم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند:

والله ان صاحب هذا الامر لیحضر الموسم کل سنة فیری الناس و یعرفهم و یرونها و لایعرفونها.^۵

به خدا سوگند که صاحب الامر، هر سال در مراسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و آن‌ها را می‌شناسد، ولی مردم او را با آن که می‌بینند نمی‌شناسند.^۶

جزیره خضرا،^۷ عالم هورقلیا^۸ و مانند این‌ها توهم‌هایی هستند رد شده و افسانه‌هایی هستند

بی دلیل.

۱. شیخ احمد احسائی، جوامع الکلم، رساله رشتیه، قسمت ۲، ص ۱۰۳.
 ۲. ناجی نجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، مترجم: علی اکبر مهدی پور.
 ۳. علی اکبر ذاکری، چشم به راه مهدی، مقاله ارتباط با امام در عصر غیبت.
 ۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۴.
 ۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب نوادر الحج، ص ۵۲۰.
 ۶. گرچه برخی روایات گفته‌اند: حضرت دیده نمی‌شود، ولی راه جمع این روایات با روایاتی که در آن‌ها به دیده شدن حضرت اشاره شده این است که حضرت دیده می‌شود ولی توسط مردم شناخته نمی‌گردد، چنان‌که سید صدرالدین صدر (المهدی، ص ۲۰۶ و ۲۰۷) مرحوم مجلسی (ذیل روایت) شهید سید محمد صدر (تاریخ الغیبة الکبری، ص ۳۱) همین وجه را پذیرفته‌اند.
 ۷. سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، مترجم: ابوالفضل طریقه‌دلار.
 ۸. فصلنامه انتظار، ش ۴، مقاله فرقه شیخیه، احمد عابدی.

پیامدها

۱. دور از دسترس قرار دادن امام.
۲. کم رنگ جلوه کردن تأثیر وجود امام، در اثر عدم اعتقاد به حضور ملموس ایشان.

خاستگاه

۱. عدم درک دقیق مفهوم غیبت.
۲. دوری از آیات و روایات.
۳. هوای نفس.
۴. اطمینان به برخی نقل‌های غیر معتبر مثل جزیره خضرا.
۵. عدم بصیرت کافی و تفقه در دین.
۶. بدگمانی و عدم اطمینان به نقل‌های معتبر. (کسانی که هر نوع دیداری را نفی می‌کنند).

۲-۷. نظریه افراطی

در مقابل این دیدگاه، دیدگاه دیگر هیچ تفاوتی بین غیبت و حضور قائل نیست. توقع دارد حضرت در هر امری دخالت نماید. این دیدگاه نیز به خطا راه پیموده است. اگر قرار بود حضرت مستقیماً در هر کاری دخالت کنند یا همه به محضرشان مشرف شوند، دیگر غیبت معنایی نداشت.

پیامدها

۱. رویکرد و توجه زیاد مدعیان ارتباط و ملاقات.
۲. توهم زدگی و خیال‌پردازی.
۳. ناامیدی و یأس در اثر عدم ملاقات.

خاستگاه

۱. عدم درک دقیق مفهوم غیبت.
۲. توهم و خیال‌پردازی.
۳. عدم درک جایگاه معجزات، امدادهای غیبی و اسباب و علل مادی.
۴. عدم تفقه و تخصص در دین.
۵. هوای نفس.

راه درمان افراط و تفریط

۱. دوری از خیال‌پردازی و توهمات.
۲. رویکرد به معارف ناب دینی و علمای ربّانی.

۳. مقابله با انحرافات و بدعت‌ها و توهم گراها.

۴. تبیین و روشن‌گری توسط علمای دین.

۸. ملاقات‌گرایی

از آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران اتفاق می‌افتد، مدعیانی هستند که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند، یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از باقی وظایف غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می‌خوانند.

پیامدها

۱. یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار.

۲. توهم‌گرایی و خیال‌پردازی.^۱

۳. رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات.

۴. دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار.

۵. بدبینی به امام علیه السلام به علت عدم دیدار.^۲

خاستگاه

۱. نبود بصیرت و آگاهی نسبت به دین و نشناختن وظایف اصلی و فرعی.

۲. توهم و خیال‌پردازی.

۳. هوای نفس.

درمان

مهم‌ترین راه درمان این آسیب، توجه و رویکرد به منابع اصیل، معارف ناب دین در پرتو مراجعه به علمای راستین است که در این صورت، برای ما روشن می‌شود که بسیاری امور مطلوب و خوب هستند، اما خدای متعال آن‌ها را به عنوان وظیفه بر دوش ما نهاده (مانند ملاقات حضرت ولی عصر علیه السلام) یا این که در میان تکالیف و وظایف دینی رتبه‌بندی وجود دارد و در مقام عمل، لازم است به درجه اهمیت و ضرورت آن‌ها توجه شود. به راستی در میان وظایفی مانند تقوا، خودسازی، تکالیف اجتماعی، انتظار و ... ملاقات چه جایگاهی دارد؟!

۱. مدتی قبل، در نشریه خورشید مکه، (ش ۱۷ و ۲۱) آیه و عبارتی منسوب به امام زمان علیه السلام چاپ شده بود و به خط ایشان، (با تصریح این که دقیقاً از روی خط امام، تصویر گرفته‌اند) اما متوهمان غافل از این بودند که آیه نوشته شده کاملاً اشتباه است. (یعنی نمودبائله امام آیه را اشتباه نوشته است).

۲. همایشی دانشجویی در یکی از شهرها برقرار شده بود. پس از پایان همایش، دانشجویی می‌گفت: مدتی جمکران می‌آمدم برای این که آقا را ببینم، چون موفق نشدم فهر کردم.

۹. آرزوگرایان بی عمل

برخی گمان می‌کنند که تنها اعتقاد به اهل بیت علیهم‌السلام و محبت امام زمان علیه‌السلام کافی است. اینان می‌پندارند که در قبال گناهشان عذابی نخواهد بود. این توهم که در قرآن و روایات مردود شمرده شده است، تمنی یا امید کاذب نام دارد. اینان چون اهل کتاب فکر می‌کنند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده‌اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد:

﴿و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هودا او نصاری تلك امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین﴾^۱

و گفتند: هرگز هیچ کس به بهشت نمی‌رود مگر آن که یهودی یا مسیحی باشد. این از آرزوهای آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویند، دلایلتان را بیاورید.

در روایات نیز این گروه تکذیب شده‌اند: «کذب التمنون^۲؛ آرزومندان خیال‌پرداز دروغ می-

گویند.»

اسماعیل فرزند امام صادق علیه‌السلام گوید: از پدرم پرسیدم:

یا ایتاه، ما تقول فی المذنب منّا و من غیرنا؟ قال علیه‌السلام: ... «لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتاب من یعمل سوءاً یُجز به ...»^۳

در مورد گناهکاران ما و غیر ما چه می‌گویید؟ حضرت فرمود: [فضیلت و برتری] به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود...

قلت له: قوم یعملون بالمعاصی و یقولون نرجو، فلا یزالون کذلک حتی یأتیهم الموت. فقال: هؤلاء قوم یترجحون فی الامانی، کذبوا، لیسوا براجین، ان من رجا شیئاً طلبه و من خاف من شیء هرب منه.^۴

به حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم: گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند ما امید و رجا داریم، پیوسته چنین باشند تا این که مرگ آنان را دریابد. امام علیه‌السلام فرمود: اینان گروهی‌اند که در آرزوهای خویش غوطه‌ورند و آرزوهایشان آنان را از راه استوار منحرف کرده است. دروغ می‌گویند. اهل رجا و امید نیستند. قطعاً کسی که به چیزی امید داشته باشد، به دنبال تحقق آن است و در طلب آن برآید و آن که از چیزی بیمناک باشد، از آن پرهیز می‌کند و می‌گریزد.

امید و رجا واقعی چیز دیگری است. مفضل گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

۱. بقره، ۱۱۱.

۲. نعمانی، الغیبة، باب ۱۱، ص ۱۹۷.

۳. نساء، ۱۲۳.

۴. الکافی، ج ۲، باب خوف و رجا، ص ۶۸.

ایاک و السفلة، فانما شیعة علیّ من عف بطنه وفرجه واشتد جهاده وعمل لخالقه

ورجا ثوابه وخاف عقابه، فاذا رأیت اولئک فاولئک شیعة جعفر.^۱

از فرومایگان بپرهیز! تنها کسانی شیعه علی می‌باشند که در باب شکم و شهوت خویش، عفت ورزند و اهل تلاش و کوشش باشند و برای خدا به عمل پردازند و ثواب الهی را امید برند و از عذاب او بیمناک باشند. این افراد شیعه واقعی جعفر [بن محمد علیه السلام] هستند.

متأسفانه، برخی افراد در قالب سخن یا شعر و بدون توجه به جایگاه و ضوابط توسل و شفاعت اهل بیت علیهم السلام ایجاد کننده یا تقویت کننده این آسیب و طرز تفکرند.

پیامدها

۱. عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی (واجبات، محرمات و...).
۲. انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام علیه السلام.
۳. توهم بی جا (رضایت از خویشتن و عملکرد خود).

خاستگاه

۱. تفاوت نگذاشتن میان امید و رجای واقعی با خیال پردازی و آرزوگرایی و عدم شناخت جایگاه آن.

۲. هوای نفس، به عنوان ریشه توجیهاات: «بل یرید الانسان لیفجر امامه»؛^۲ [انسان در معاد شک ندارد] بلکه او می‌خواهد [آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت] در تمام عمر گناه کند.

۳. عدم شناخت خدای مهربان و حکیم که خداوند گرچه مهربان است، حکیم و عادل هم است.

۴. دیدگاه احساسی و غیر منطقی نسبت به ائمه علیهم السلام و عدم درک قهر و مهر که قبلا اشاره شد.

درمان

۱. تأمل و تدبّر در آیات و روایات نظیر: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم»؛^۳ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

۲. توجه به این نکته که: میزان و معیار اعمال، نیت خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی است:

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ب ۲۰، ص ۸۶

۲. قیامة، آیه ۵.

۳. حجرات، ۱۳.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْر، ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾^۱؛

به نام خداوند بخشنده مهربان. به عصر سوگند که انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

۱۰. عاشق نمایان دنیاخواه

برخی، ائمه و امام زمان را صرفاً برای دنیا و منافع آن و رسیدن به جاه و منصب می‌خواهند. حتی اگر برای ظهورش دعا می‌کنند، صرفاً برای خویش و مطامع دنیوی است^۲ و اگر امام، بنا به دلایلی، به آن‌ها توجه نکند، با امام به دشمنی برمی‌خیزند که طلحه و زبیرها در طول تاریخ بسیار بوده و خواهند بود. اما آنچه به عنوان آسیب در این‌جا مطرح می‌گردد و بیش‌تر حالت عمومی دارد، نگاهی است که بسیاری نسبت به امام دارند. توسل به امام و خواستن حوایج دنیوی و واسطه ساختن امام به درگاه پروردگار عظیم، امری است صحیح و مورد تأکید روایات، اما امام را صرفاً برای این امور خواستن، نشانه عدم درک درست از جایگاه امام در نظام هستی است و متأسفانه باید گفت نشانه این است که هنوز عطش واقعی نسبت به ظهور پیدا نشده است و آمادگی بشر هنوز تحقق نیافته است.

پیامدها

۱. دشمنی و ستیز با امام.
۲. کم اعتقادی یا بی‌اعتقادی به امام در اثر عدم تحقق خواسته‌های پایان ناپذیر و گاه بی‌مصلحت.

خاستگاه

۱. عدم درک جایگاه امام و امامت.
۲. خود محوری و خودخواهی.

راه درمان

۱. معرفت در اثر تدبیر در دین.
 ۲. تربیت و تمرین نفس بر مقدم ساختن خواسته امام بر خواسته خویش.
- یکی از ویژگی‌های مسلمانان که او را ممتاز نمود، این بود که خواسته امام را بر خواسته

۱. عصر.

۲. ر.ک: تحف العقول، ص ۵۱۳؛ روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام بدین مضمون که: مردم درباره ما سه گروه‌اند: دو گروه به دنبال جاه و مقامند و برای این که مردمان را بدرند، محبت ما اهل بیت علیهم السلام را اظهار می‌دارند و گروه سوم که (این گونه نیستند) از ما اهل بیت می‌باشند و ما از آنها بییم.

خویش مقدم می ساخت:

عن منصور بزرج قال: قلت لابی عبدالله الصادق عليه السلام ما اكثر ما اسمع منك يا سيدي ذكر سلمان الفارسي! فقال: لا تقل الفارسي ولكن قل سلمان المحمدي، أتدري ما كثرة ذكرى له؟ قلت: لا. قال: لثلاث خصال: احدها ايشاره هوى امير المؤمنين عليه السلام على هوى نفسه و الثانية حبه للفقراء واختياره اياهم على اهل الثروة و العدد و الثالثة حبه للعلم والعلماء. ان سلمان كان عبداً صالحاً حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين.^۱

منصور بزرج گویند: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: سرورم، چه بسیار می شنوم از شما یاد کرد سلمان فارسی را! فرمود: نگوی سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمدی عليه السلام می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم: نه. فرمود: برای سه صفت:

۱. مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان بر خواسته خویش.
۲. دوست داشتن فقرا و مقدم داشتن آنها بر ثروتمندان.
۳. دوست داشتن علم و علما.

۱۱. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه

در هر عصری عده‌ای به دروغ، ادعای مهدویت نموده یا دیگران چنین نسبتی به آنان داده‌اند و بدین وسیله فرقه‌هایی ایجاد کرده‌اند. چه در دوره غیبت صغرا و چه در دوره غیبت کبرا، کسانی بوده‌اند که نیابت خاصه یا وکالت امام را به دروغ، ادعا می کرده‌اند. البته ادعاهای این افراد به صورت‌های متفاوتی، ارائه شده است:

۱. مهدویت.^۲
۲. نیابت خاصه، وکالت، بابیت یا ... افرادی که مدعی‌اند هر موقع بخواهند امام را می‌توانند ببینند، مشکلات به واسطه آنان حل می‌شود، آنها واسطه و باب میان مردم و امام هستند، پیامی را از امام آورده‌اند یا پیامی را برای امام می‌برند.^۳
۳. نیابت عامه: عده‌ای خود را به جای علمای ربّانی، مراجع عظام تقلید و فقها و ... معرفی می‌کنند با این که در این دوران، عقل و نقل، وظیفه همه را روشن ساخته است و آن، مراجعه

۱. طوسی، امالی، مجلس ۵، ص ۱۲۳.

۲. طوسی، الغیبة، فصل ۶ باب ذکر المذمومین الذین ادعوا البایبة و السفارة کذبا و افتراء لعنهم الله، ص ۳۹۷؛ فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹ و ۱۰، مقاله: متمهدیان و مدعیان دروغین مهدویت، محمد رضا نصوری.
۳. همان.

به علما و فقها است. اینان راهی جدای از قرآن و سنت و عقل برگزیده و سیر و سلوکی معرفی می‌کنند و ره نرفته، ره می‌آموزند.^۱

پیامدها

۱. گمراهی مردم.
۲. دوری از مسیر اهل بیت علیهم‌السلام.
۳. به بازی گرفته شدن دین.
۴. اختلافات دینی در اثر متابعت از فرقه‌های انحرافی.

خاستگاه

۱. مشکلات روحی و روانی، عقده خود کم بینی، هیستری و مطرح کردن خود.^۲
۲. نفسانیات و مشکلات اخلاقی و ضعف ایمان.
۳. توهم و خیال‌پردازی.
۴. هوی و هوس و خواسته‌های دنیوی و جاه و مقام.
۵. جهل و ناآگاهی.
۶. سکوت اندیشمندان و عالمان یا به موقع و مناسب تصمیم نگرفتن.
۷. مشکلات سیاسی، تأثیر آیدای اجانب مثل فریفتن محمد علی باب و...^۳
۸. عدم معرفت به جایگاه و شأن امام و جانشینی ایشان.

درمان

۱. تقوا و تهذیب نفس.
۲. علم و بصیرت دینی و سیاسی علما، اندیشمندان، دولت‌مردان و مردم.
۳. روشنگری علما و اندیشمندان، تکذیب منحرفان.
۴. برخورد دولت‌مردان جامعه اسلامی (مثل برخورد امیرکبیر با بابیت که ستودنی است).^۴
۵. عدم تسامح و اغماض در برخورد با انحرافات و بدعت‌ها.

۱۲. عدم پیروی از ولایت فقیه و نواب عام

یکی دیگر از آسیب‌هایی که وحدت جامعه اسلامی را خدشه‌دار ساخته و زمینه را برای فعالیت دشمنان دین و مهدویت (به صورت‌های مختلف مانند دشمنی روشن و بی‌واسطه،

۱. مانند دراویش، صوفیه و... .

۲. فصلنامه انتظار، ش ۵، مقاله: از شیخی‌گری تا بابی‌گری، عزالدین رضائزاد.

۳. فصلنامه انتظار، ش ۱، مقاله: از بابی‌گری تا بهایی‌گری، عزالدین رضائزاد.

۴. فصلنامه انتظار، ش ۵، از شیخی‌گری تا بابی‌گری، عزالدین رضائزاد.

فرقه‌سازی، مدعیان و...) فراهم می‌آورد، عدم پیروی از نواب عام امام عصر علیه السلام است با آن که اطاعت از این بزرگواران، در عقل و نقل تأکید شده است.

پیامدها

۱. گمراهی و ضلالت.
۲. پراکندگی افراد و عدم وحدت در سایه رهبری واحد.
۳. شکست پذیر بودن در مقابل دشمن و عدم مقاومت.

خاستگاه

۱. عدم بصیرت کافی در دین.
۲. توجه نکردن به دلایل عقلی و نقلی.
۳. توهم پیروی مستقیم و بی‌واسطه از امام عصر علیه السلام.
۴. توقع نیابت خاصه در عصر غیبت کبرا.
۵. هوی و هوس.
۶. اغراض سیاسی و شیطنت‌های استکبار.

درمان

تبیین عقلی و نقلی ضرورت رویکرد به نواب عام
تبیین ادله عقلی در آسیب اول، بررسی شد و گذشت.
ادله نقلی:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه، مطيعاً لأمر
مولاه فللعوام ان يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم.
از میان فقیهان، فقیهی که نفس و دین خود را - نه دنیایش را - نگاهدار باشد (پرهیزگار)، با
هوی و هوس‌هایش مخالفت نماید و فرمان مولایش را اطاعت کند، باید مردم از او تقلید
کنند و دارای چنین صفات والایی نباشد مگر برخی از فقهایی شیعه، نه همه آنان.^۱
در توقیع محمد بن عثمان عمری خطاب به اسحاق بن یعقوب، از امام زمان علیه السلام چنین آمده
است:

اما الحوادث الواقعة فارجعوا الي رواة احاديثنا، فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله
عليكم.

۱. وسائل الشيعة، ج ۲۷، باب ۱۰، ص ۱۳۱.

در حوادث و پیشامدها به راویان احادیث ما (فقها) مراجعه کنید؛ چرا که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شمایم.^۱

۲. بصیرت دینی و سیاسی.

۳. هماهنگی و وحدت رویه بین اندیشمندان و علما در حمایت از فقیهی که عهده‌دار امور گشته است.

۴. تلاش برای حل مشکلات دینی، فکری، سیاسی و اجتماعی جامعه با همفکری اندیشمندان و علما.

۱۳. فعالیت‌های غرب و مستشرقان

یکی دیگر از آسیب‌ها و تخریب‌ها، تحریف‌هایی است که توسط مستشرقان در مقوله مهدویت پدید آمده است. آنان مغرضانه یا بدون مراجعه به منابع اصیل، مطالبی را به نام دین و مهدویت ارائه می‌دهند و در پی آن، افرادی نیز با مطالب و مقاله‌های آنان برخورد علمی کرده و آن را یک کار علمی و تحقیقی و بدون هیچ عیب و نقص می‌پندارند و در کتاب‌ها و مقالات خویش از آن بهره می‌گیرند.^۲

پیامدها

۱. دوری گزیدن جوامع غیر اسلامی از مطالب اصیل اسلامی به طور کلی و مهدویت به طور خاص که مورد بحث است.

۲. ایجاد شک و تردید یا تنفر در میان معتقدان کم اطلاع.

خاستگاه

۱. بی‌اطلاعی از منابع اصیل.

۲. مراجعه به منابع دست‌چندم به جای منابع اصیل و دست‌اول.

۳. مراجعه به منابع و آرای مخالفان شیعه، مثلاً در بررسی دیدگاه مهدویت شیعی به جای مراجعه به منابع اصیل شیعی، آن را در میان دیدگاه‌های اهل سنت جست‌وجو می‌کنند. (قاعده این است که برای شناخت اندیشه و آرای مذهبی، به کارشناسان و متخصصان خود آن‌ها رجوع شود).

۴. جدایی از علما و کارشناسان مذهب یا آن مقوله، بی‌اعتنایی یا بی‌اطلاعی یا عدم طرح توضیحات کارشناسان مربوط.

۵. برخورد مغرضانه و جانبدارانه به جای بی‌طرفی با مقولات علمی.

۱. طوسی، الغیبة، فصل ۴، ص ۲۹۰.

۲. دایرة المعارف بریتانیکا، واژه مهدی و اسلام و زرتشت؛ دایرة المعارف دین و اخلاق، واژه مهدی؛ موسوعة المورد، منیر بعلبکی.

۶ سیاست بازی و شیطنت‌های استکبار.

درمان

۱. تبیین، روشنگری، حل شبهات و... توسط علما و اندیشمندان مانند ارائه دایرة المعارف‌ها

با توضیحات کافی و دلایل معتبر و اصیل و...

۲. هوشیاری در مقابل غرض ورزی‌ها و سیاست زدگی‌ها.

۳. مبهور نشدن در مقابل غرب، مستشرقان و...